



گروه گزارش

انجمن بین المللی اقتصاد انرژی بوداپست

مقدمه

نوزدهمین کنفرانس بین المللی انجمن بین المللی اقتصاد انرژی (IAEE) در مورد پروسه تغییرات جهانی انرژی در شهر بوداپست پایتخت کشور مجارستان در تاریخهای ۲۷ الی ۳۰ ماه می ۱۹۹۶ برگزار شد. دکتر حمید ظاهری، مدیرعامل انجمن اقتصاد انرژی ایران، نیز در این کنفرانس شرکت کرد.

هدف از برگزاری کنفرانس بررسی تغییرات همه جانبه و سریعی است که در مورد انرژی در جهان روی می دهد و ماهیت آن به کلی با گذشته متفاوت است. تغییراتی ساختاری در پروسه تغییرات جهانی انرژی وضعیت عرضه و تقاضای انرژی جهانی و نرخ رشد اقتصادی را متأثر کرده است به طوری که تقاضا در کشورهای غیرعضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) رشدی چند برابر رشد کشورهای عضو این سازمان دارد.

قاره آسیا از لحاظ نرخ رشد تقاضا برای انرژی در جهان در ردیف اول قرار دارد و میزان رشد تقاضا برای انرژی الکتریکی در جهان حتی سریعتر از آسیا و بیش از دو برابر آن است. در مورد عرضه انرژی مسأله اصلی به جای آن که به تکنولوژی و یا سرمایه مربوط باشد، جنبه سیاسی دارد. از جمله اشکالات عدیده سیاسی می توان به شبکه توزیع

گاز و الکتریسیته، مقررات و مقررات زدایی در بازار گاز و الکتریسیته به خصوص در اروپا اشاره کرد. این اشکالات در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی بسیار حاد به نظرمی رسد، ضمن آنکه خطرات زیست محیطی در استفاده از انرژیهای فسیلی روبه افزایش است؛ و مشکل عمده، فایق آمدن بر بازارو فعال کردن مشارکت جدید میان دولت، صنایع انرژی، بازار مالی و حرکتهای طرفدار حفظ محیط زیست جهانی است.

صنایع انرژی در جهان بیش از نیمی از سرمایه گذاریهای زیربنایی را به خود اختصاص داده و پیشرفت صنایع مخابرات و ارتباطات در سطح بین المللی موجب شده است که بزرگترین تجارت با بیشترین نقدینگی در هر کشور به انرژی اختصاص یابد.

مسأله عمده، تأمین مالی انرژی موردنیاز، به خصوص در کشورهای درحال توسعه و در اقتصادهای درحال گذار از دولتی به خصوصی، است. در مورد برنامه توسعه بخش انرژی در روسیه، تهیه و تأمین منابع مورد نیاز و لازم جهت احتیاجات وسیع سرمایه ای برای این کشور، تقاضا برای توسعه زیربنایی بخش انرژی اروپا، مباحث

تکنولوژیکی انرژی به علت وجود شرایط آب و هوایی و جغرافیایی، از مسائلی کلیدی نگران کننده در بازار جهانی انرژی است. افزایش تقاضا، افزایش هزینه های حفاظت از محیط زیست و افزایش تقاضا برای تأمین سرمایه گذاریهای لازم در بخش انرژی، با توجه به رقابت شدید در بازار جهانی سرمایه، اصلی ترین مباحث را در دنیای کنونی موجب شده است. درحالی که از طرف دیگر این مسایل خود موجب فرصتهای بسیاری در جهان شده است.

مباحث عمده

بخشهای عمده این کنفرانس که شامل مسائل اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی و علمی است برخاسته از نظرات دولتها، صنایع، و کارشناسان انرژی در سطح جهانی بود، که عمده آنها به شرح زیر است:

- ۱- بهینه سازی انرژی
- ۲- عوامل مشخصه مصرف انرژی و بهینه سازی آن
- ۳- تجزیه و تحلیل مسایل انرژی و مدل سازیهای مربوطه
- ۴- استراتژی انرژی
- ۵- محیط زیست و انرژی
- ۶- سیاست قیمت گذاری الکتریسیته
- ۷- منافع الکتریسیته از دید مصرف کنندگان آن
- ۸- بازار گاز و زغال سنگ
- ۹- سیاست گذاری در مورد نفت و گاز

- ۱۰- نفت خام خاورمیانه
- ۱۱- توسعه بازار انرژی در آسیا
- ۱۲- توسعه سیستم انرژی برق در کشورهای اروپای شرقی
- ۱۳- سرمایه گذاری و تأمین منابع مالی در اروپای شرقی
- ۱۴- تلفیق بازار انرژی اروپای مرکزی و شرقی در بازار انرژی اروپا
- ۱۵- توسعه سیستم انرژی در کشورهای حوزه بالکان
- ۱۶- توسعه بخش انرژی گاز در روسیه
- ۱۷- وضعیت الکتریسیته در امریکا

خلاصه ای از سه مقاله ارائه شده در کنفرانس که از اهمیت ویژه ای در ارتباط با کشورمان برخوردار بودند، برای چاپ در این شماره «اقتصاد انرژی» انتخاب شدند:

۱- عرضه نفت: موانع سیاسی و اقتصادی آن
توسط پروفیسور آدلمن از مرکز تحقیقاتی سیاستگذاری انرژی و محیط زیست دانشگاه M.I.T. در آمریکا

۲- عراق: غول نفتی که از نظر ژئوپولیتیکی توسط خطوط لوله مهار شده است

توسط ممدوح سلامه از شرکت خدمات مشاوره ای بازار نفت در انگلیس

۳- نقش کمک بخش معادن به توسعه اقتصادی در ویتنام
توسط چارلز هریس از دانشگاه وولونگانگ

۱- عرضه نفت: موانع سیاسی و اقتصادی آن

پیش بینی های خوشبینانه افزایش قیمت نفت اکنون به خواب رفته اند ولی هنوز نمرده اند. این تئوری اصلی آن پیش بینی ها هنوز مورد قبول است که مقادیر ذخایر نفت خام موجود در جهان محدود است؛ بدین معنی که با استفاده از هر واحد نفت خام، یک واحد از آن ذخایر برای مصرف در آینده کم می شود. اما در حقیقت ذخایر نفت خام هرگز تمام نخواهد شد، نه در ۱۰۰ که تا ۱۰۰۰۰ سال آینده قبل از آنکه مردم جهان بدون نفت خام بمانند، نفت بدون مشتری خواهد بود.

پنجاه سال قبل کشورهای غیرعضو اوپک ۲۹ میلیارد بشکه ذخیره نفت خام داشتند. از آن هنگام تاکنون بیش از ۴۰۰ میلیارد بشکه نفت خام استخراج شده است و اکنون ۲۳۰ میلیارد بشکه نفت خام در خود دارند. در

بلندمدت قیمت مواد اولیه کانی بیشتر کاهش یافته تا افزایش؛ اما هرگاه تقاضا برای سرمایه گذاری افزایش یافته بدین معنی بوده که مواد اولیه کانی کمیاب تر شده و این خود موجب کاهش تقاضا شده و در نتیجه کمبود آن از بین رفته است.

در سال ۱۹۸۵ اوپک متوجه این حقیقت شد که دیگر نمی تواند کنترلی روی قیمت نفت داشته باشد. علی رغم افزایش مصرف جهانی نفت، قیمت آن ثابت ماند و هیچ گاه از ۱۵ دلار در بشکه بالاتر نرفت. هرچه در آینده اتفاق افتد دیگر ناشی از کمبود و یا کمیابی نفت نخواهد بود. در سال ۱۹۹۵ سهم اوپک ۳۳ درصد از کل بازار بود. البته اوپک می تواند با کاهش عرضه نفت به بازار موجبات افزایش قیمت در بازار را فراهم آورد، اما این کار برای این سازمان بسیار خطرناک خواهد بود زیرا یکی از اعضای آن می تواند بدون رعایت توافق دیگر اعضا از موقعیت ایجاد شده حداکثر استفاده را ببرد. و این وضع خسارات بیشتری را متوجه آن عضو خواهد کرد که بیشترین تولید را در میان اعضا دارد، یعنی عربستان سعودی.

در حقیقت سهم اوپک بگونه ای کند در بازار افزایش یافته است هرچند که از سال ۱۹۹۲ سهم اوپک در بازار در واقع رو به افول گذاشته است و افزایش رشد مصرف نفت خام در خلال سالهای ۹۳ الی ۹۵ پاسخ داده شده است. مجله اکونومیست در شماره ۶ اوت ۱۹۹۴ اعلام کرده است که در جهان ۱۱۰۰ میلیارد بشکه نفت خام وجود دارد.

کشورهای غیر اوپک را می توان به سه گروه زیر تقسیم کرد:

- گروه اول: آمریکا
- گروه دوم: چین و کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق
- گروه سوم: کشورهای دیگر تولیدکننده.

همه این گروهها در یک چیز مشترکند: همه آنها سرمایه گذاری و تولید می کنند. حتی اگر هزینه های تولید نیز افزایش یابد، سرمایه گذاری تولید افزایش خواهد یافت. در گروه کشورهای دیگر تولیدکننده، بجز دریای شمال و مکزیک، تولیدکننده های کوچکی وجود دارند. در سال ۱۹۸۱ این گروه از تولیدکنندگان ۷/۴ میلیون بشکه در روز تولید می کردند؛ ولی در سال ۱۹۹۵ که قیمت های نفت خام ۷۱ درصد نسبت به سال ۱۹۸۱ کاهش داشت، تولید این گروه از کشورها، ۸۲ درصد افزایش از خود نشان

داد؛ یعنی ۱۶/۴ میلیون بشکه. به عبارت دیگر به ازای هر واحد کاهش قیمت، آنها ۶/۴ برابر بیشتر نفت تولید کرده اند. جالب توجه آنکه این تولید بیشتر از چاهها و میادین قدیمی بوده که از طریق سرمایه گذاری جهت توسعه آنها حاصل شده است.

در سال ۹۰ سرمایه گذاری جهت تولید هر بشکه نفت خام در روز ۱۰ دلار در هر بشکه برای این کشورها ارزیابی و تخمین زده می شد که قبل از اخذ مالیات، سود حاصله از تولید ۲۰ درصد بود. با این همه هزینه تولید، توسعه و افزایش تولید در این گروه از کشورها با صرفه بوده و تولید همچنان در آینده رو به افزایش خواهد بود. بعلاوه هزینه ها رو به کاهش است. هزینه های حفاری از سال ۱۹۸۴ تاکنون ۲۵ درصد کاهش داشته است. حفاری افقی و لرزه نگاری به شیوه سه بعدی سبب می شود که لزوم حفار چاههای مورد نیاز جهت تولید کاهش یابد.

از سال ۱۹۸۰ پائین بودن قیمت نفت موجب افزایش تولید غیر اوپک شده است کاهش مالیات دولتی نیز به این امر کمک کرده است.

در دریای شمال تولید در حال حاضر ۲/۶ برابر تولید در سال ۱۹۹۸ است در این منطقه تأثیرات چشمگیر و روبه رشد در تکنولوژی تولید در دریا همراه سیستم حمل و نقل، سیستم های تولید شناور که موجب از میان رفتن استفاده از پلتفرم های عظیم در فلات شده است همگی به سودآوری تولید و افزایش آن کمک مؤثری کرده است. در مقایسه ای که میان پروژه های اعلام شده در سال ۱۹۹۱ و در سال ۱۹۹۴ در دریای شمال صورت گرفته ۱/۳ هزینه های سرمایه گذاری جهت تولید هر بشکه نفت خام کاهش یافته و ۲/۳ هزینه های تولید گاز برای هر هزار فوت مکعب نقصان یافته است. این میزان کاهش در هزینه های سرمایه گذاری جهت تولید نفت و گاز در دریای شمال تنها ظرف سه سال، توسعه بیشتر میادین نفتی و گازی در این منطقه از جهان را در آینده نوید می دهد.

در آمریکا تولید نفت روبه کاهش ولی تولید گاز رو به افزایش است. در این کشور میزان مالیات دولت ۶ درصد و حق بهره مالکانه خصوصی در جهت تولید ۱۵ درصد قیمت هر واحد تولید را تشکیل می دهد که این موضوع برای تولیدکنندگان غیر قابل تحمل است. در مناطق پر هزینه مالیات ۲۱ درصد درآمد را تشکیل می دهد که کمرشکن است. در آمریکا، برخلاف دیگر

تولیدکنندگان غیراوپیک، رقابت میان تکنولوژی و کاهش درآمد وجود دارد، بی آنکه هیچگونه تضمینی جهت اصلاح قوانین و مقررات و یا سیستم مالیاتی وجود داشته باشد.

در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق، که مثال خوبی برای تملک دولتی و عملیات دولت است، علی‌رغم سرمایه‌گذاریهای وسیع در دهه ۱۹۸۰ میزان تولید کم است؛ اما هنگامی که شرکت‌های نفتی خارجی سعی کردند وارد صحنه اکتشاف، توسعه و بازسازی تولید نفت در این کشورها شوند، به آنها ثابت شد که عامل بازدارنده توسعه تولید، افزایش هزینه تولید نیست؛ بلکه مالکیت دولتی است.

علاوه بر این عدم بازدهی، فساد مالی و قوانین اداری، بیماری اساسی در این کشورها است. در این کشورها هیچگونه سرمایه‌گذاری منطقی وجود نداشته که اساس آن بر مبنای محاسبه خطرات و بازدهی باشد. هیچ مکانیزمی که پروژه‌های احتمالی را تشخیص دهد و مهمترین و سودآورترین آنها را انتخاب کند، وجود ندارد. هیچگونه تمایلی به ایجاد خلاقیت‌ها و این‌طور بیمارگونه‌ای توسعه را روندی افول‌بخشیده است. بسیاری از شرکت‌هایی که خصوصی شده‌اند در دست افراد قدیمی مانده‌اند و صرفاً اسامی آنها تغییر یافته است. فساد مالی در حال حاضر شرکت‌های خصوصی شده را تهدید می‌کند. علاوه بر این، مالکان، مدیران و قانونگذاران خطرات را درک نمی‌کنند. زیرا تجارت بلندمدت آنها بر این اصل استوار شده است که چگونه مانور کنند تا جلو افزایش زیاد را بگیرند؛ نه آنکه چگونه سرمایه‌گذاری کنند تا افزایش زیاد را خلق کنند. ریسکی وجود ندارد زیرا شما می‌دانید که نفت در آنجا هست. اما اگر هزینه‌ها، میزان تولید، و زمان تولید، اشتباه باشند؛ اگر قراردادهای، قوانین و مقررات قابل تغییر باشند؛ و اگر قدرتهای ملی و محلی با یکدیگر توافق کنند، آنگاه خطرات بسیار بالا خواهند بود، هرچند که در مخازن زیرزمینی نفت وجود داشته باشد.

شک و تردید سرمایه‌گذاران خارجی ناشی از سنت‌های بد قدیمی است. سرمایه‌گذاری خارجی خیلی کم است و در این کشورها نه تنها تولید روبه افول است، بلکه جذابیت سرمایه‌گذاری خارجی نیز نابود شده است.

روسیه با جلوگیری از انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لوله نفت و گاز آسیای میانه

خواستار دریافت حق تولید از این کشورها است. این موضوع موجب شده است که کشورهای آسیای میانه بدنال راهی جهت گریز از این مشکل باشند بدون آنکه به هزینه‌های آن توجه کنند. کاهش تولید در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق متوقف شده است. افزایش قیمت‌های انرژی به طور چشمگیری موجب کاهش مصرف داخلی خواهد شد. در نتیجه صادرات نفت در این کشورها که بطور چشمگیری کاهش یافته است در آینده نزدیک افزایش خواهد یافت.

در مکزیک در سال ۱۹۸۰ میزان ذخایر این کشور ۵۰ میلیارد بشکه بود که قیمت هر بشکه آن ۴۰ دلار ارزیابی می‌شد. بنابراین معقول بود که برای تولید آن ۵۰ میلیارد دلار وام گرفته شد. سیستم تولید برای این کشور اهمیت نداشت. امروز وضع این کشور دگرگون شده و همان‌گونه که در گزارش سالانه شرکت نفت دولتی آمده است این کشور خود را با شرایط و اوضاع دیگر کشورهای تولیدکننده نفت تطبیق داده است. این به معنی بهبود وضع در آینده است؛ زیرا حفاری برای کسب سود صورت می‌گیرد، نه برای ایجاد کار. به صورت کلی خصوصی‌سازی در این کشور می‌تواند به افزایش بهره‌وری منجر گردد؛ هرچند که تضمینی برای آن وجود ندارد.

نتیجه‌گیری:

هیچ چیز خصوصی در کشورهای تولیدکننده غیراوپیک قابل انتظار نیست، جز آنکه رشد سرمایه‌گذاری جهت تولید و افزایش تولید همچنان ادامه خواهد داشت. احتمالاً وضعیت در آمریکا تغییر زیادی نخواهد کرد. کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق و مکزیک همگی پتانسیل‌های بزرگ و بالقوه‌ای دارند، هرچند که عوامل بازدارنده مهمی نیز در آن کشورها وجود دارد. ولی تصور می‌شود روند توسعه تولید در این کشورها در آینده به کندی صورت گیرد. سهم اوپیک در بازار نفت احتمالاً دوباره در آینده روبه فزونی خواهد بود اما این روند بسیار به کندی صورت خواهد گرفت، نه سرعتی که که بتواند این سازمان را از حالت فعلی در بازار خلاص کند. کاهش مجدد قیمت‌های نفت در بازار بسیار محتمل است. و این امر فشار مداومی را بر همبستگی اعضای اوپیک تحمیل خواهد کرد. در عین حال هر یک اعضا تقاضای پایان‌ناپذیر خود مبنی بر تلاش جهت دستیابی به سهم بیشتر در بازار را با افزایش

تولید هرچه بیشتر و در راستای منافع ملی خود، در همراهی با منافع دیگرانی که در مجموعه اوپیک قرار دارند، ادامه خواهد داد.

۲- عراق: غول نفتی که از نظر جغرافیای سیاسی توسط خطوط لوله مهار شده است.

عراق با داشتن ذخایر نفت خام تثبیت شده‌ای به میزان ۱۱۲ میلیارد بشکه، کشوری است که از اواخر دهه ۹۰ میلادی بازار جهانی نفت را بشدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. صنایع نفت عراق در خلال جنگ خلیج فارس خسارات عمده‌ای دیده است. میزان این خسارات براساس برآوردهای سازمان ملل ۶ میلیارد دلار بوده، ولی براساس برآورد دولت عراق میزان آن بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار گفته می‌شود. براساس اظهارات مقامات رسمی عراق ظرفیت تولید نفت این کشور بازسازی شده و به سطح تولید قبل از جنگ خلیج فارس رسیده است ظرفیت پالایش آن نیز ۳۵ درصد بالاتر از سطح قبل از جنگ خلیج فارس قرار گرفته است و ترمینال‌های نفتی صادراتی عراق در خلیج فارس بازسازی و توسعه یافته است. باتوجه به تحریم اقتصادی این کشور از سوی سازمان ملل، بازسازی تأسیسات زیربنایی عراق نیاز وسیعی به سرمایه‌گذاریهای خارجی دارد. دولت عراق با تجدیدنظر در سیاست‌های سرمایه‌گذاری خود در بخش نفت، شیوه عقد قراردادهای مشارکت در تولید (Production sharing) را جهت توسعه تولید و جذب سرمایه لازم جهت افزایش ظرفیت تولید نفت بعنوان یک اصل مهم و استراتژیک ملاک عمل قرار داده است.

از زمان ملی شدن صنعت نفت عراق و تشکیل شرکت دولتی نفت عراق (Iraq Pe-troleum Co) در سال ۱۹۷۲ میلادی میزان ذخایر تثبیت شده نفت خام این کشور، همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود از ۳۲ میلیارد بشکه به ۱۱۲ میلیارد بشکه در سال ۹۳ افزایش یافته است (جدول ۱).

علی‌رغم گزارش‌های گوناگون، در زمان تحریم اقتصادی سازمان ملل، فعالیت‌های اکتشافی عراق بر اثر جنگ خلیج فارس و تحریم سازمان ملل هیچگاه متوقف نشده است. در سپتامبر سال ۱۹۹۲ میلادی اولین چاه اکتشافی این کشور در ساحل صحرای غربی عراق حفر شد و میدین جدیدی نظیر

خباز، صدام، صوبه، خورمالا، غراف، الناصریه و... اکتشاف شد هزینه تولید نفت کمتر از یک دلار در هر بشکه تخمین زده می شود.

توسعه میادین نفتی و ظرفیت تولید عراق
عراق پیشرفتهای مهمی در زمینه بازسازی صنایع نفتی خود کرده و براساس گزارشهای رسمی دولتی وزارت نفت عراق ظرفیت تولید این کشور به سطح قبل از جنگ خلیج فارس یعنی ۳/۶ میلیون بشکه در روز رسیده است که می تواند نه تنها به مصرف داخلی این کشور برسد، بلکه سقف سهم عراق در اوپک (۳/۱۴ میلیون بشکه در روز قبل از جنگ خلیج فارس) را نیز پوشش دهد. ظرف چهار سال گذشته عراق مذاکراتی با تعدادی از شرکتهای نفتی غربی جهت توسعه ۶ میدان نفتی بسیار بزرگ خود بامهای نهر عمر، مجنون (مشترک با جمهوری اسلامی ایران)، قرنه غربی، هالفایه، الناصریه و دجیله انجام داده است که بلافاصله پس از لغو تحریم سازمان ملل این شرکتهای نسبت به توسعه میادین نفتی خود اقدامات خود را آغاز کنند.

شرکتهای فرانسوی Total و Elf، شرکت ایتالیایی AGIP مذاکرات اولیه خود را با این کشور را انجام داده و قراردادهای امضا شده را در اختیار دارند. شرکت TOTAL میدان نهر عمر، شرکت ELF میدان نفتی مجنون (با ۱۵ میلیارد بشکه نفت ذخیره) و شرکت AGIP سه میدان هالفایه، الناصریه و دجیله را توسعه داده و به بهره برداری خواهند رسانید. از طرف دیگر روسیه در قراردادی که با عراق امضا کرده قرار است عملیات توسعه و بهره برداری از میدان نفتی قرنه غربی را، که عملیات توسعه آن قبل از شروع جنگ عراق در خلیج فارس آغاز شده بود، مجدداً از سرگیرد. علاوه بر این روسیه سه میدان بزرگ نفتی دیگر عراق را نیز توسعه داده و به تولید خواهد رسانید.

براساس اطلاعات منتشره از سوی وزارت نفت عراق، ظرفیت تولید عراق تا سال ۲۰۰۰ میلادی به ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و همان گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود در سال ۲۰۱۰ نهایتاً به ۱۰ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت.

بهرحال توسعه تولید و ظرفیت صادراتی عراق برای این کشور مسأله نیست بلکه مسأله واقعی توسعه خطوط لوله و شبکه

ترمینال صادراتی این کشور در خلیج فارس است که این مسأله به شدت به جغرافیای سیاسی نفت در خلیج فارس گره خورده است. همان گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود ظرفیت صادراتی عراق قبل از جنگ خلیج فارس در سطح ۴/۱ میلیون بشکه در روز تخمین زده می شود که قرار است تا سال ۲۰۰۰ این میزان به ۷/۱۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد.

این خط لوله بسته است؛ ولی ظرفیت آن، با انجام تعمیراتی، می تواند به یک میلیون بشکه در روز افزایش یابد. لذا در این جدول میزان ظرفیت این خط لوله به حساب آورده نشده است.

این خط لوله نیز از سال ۱۹۸۲ بسته است و در جدول ارقام آن محاسبه نشده است.

حال چنانچه ظرفیت خطوط لوله صادراتی عراق به سوریه و اسرائیل نیز در نظر گرفته شود ظرفیت صادراتی این کشور تا سال ۲۰۰۰ میلادی می تواند به بیش از ۹/۵ میلیون بشکه در روز بالغ گردد.

عراق در قبال اوپک

عراق بدون شک خواهان افزایش ظرفیت صادراتی نفت خود در هر فرصت ممکنه خواهد بود. با توجه به داشتن ذخایر نفتی بیش از ۱۱۲ میلیارد بشکه و ظرفیت صادراتی سهل الوصول، که حداقل تا سال ۲۰۰۰ می تواند ۶ میلیون بشکه در روز باشد، این کشور در اوپک از یک موضع قوی برخوردار است و دو سناریو در پیش روی خواهد داشت: یا اوپک موافقت کند که سهمیه عراق مطابق درخواست این کشور افزایش یابد؛ و یا اینکه عراق با افزایش صادرات نفت خام خود بدون توجه به رعایت سهمیه تعیین شده از سوی اوپک، بازار را از نفت خام ارزان اشباع کند- وضعی که نهایتاً به تضعیف همبستگی اعضای اوپک خواهد انجامید.

۳- نقش کمک بخش معدن به توسعه اقتصادی در ویتنام

ویتنام در سالهای اخیر (اواخر دهه ۸۰) توانسته است با کنار گذاشتن سیستم اقتصاد دولتی و روی آوردن به اقتصاد بازار به جرگه کشورهای روبه رشد سریع اقتصادی در منطقه آسیا-اقیانوس آرام پیوندد و این امکان هست که در آینده به اژدهای اقتصادی در آسیا مبدل گردد. در خلال دهه ۹۰ این کشور

از نظر اقتصادی عملکردهای قابل تحسین و چشمگیری در زمینه رشد تولید ناخالص داخلی (GDP)، کنترل تورم و افزایش میزان صادرات داشته است آنچه این پیشرفتهای اقتصادی را شاخص تر کرده از دست دادن کمکهای استراتژیک شوروی سابق در زمینه واردات ارزان و دیگر کمکهای خارجی بوده است. عامل مهم این تغییر را باید در تغییر سیاستهای اقتصادی دولت ویتنام از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار جستجو کرد. این کشور تا فوریه سال ۱۹۹۴ مورد تحریم اقتصادی آمریکا بود؛ ولی به کمک استفاده از مکانیسمهای اقتصاد بازار به پیشرفتهای چشمگیر و قابل ملاحظه ای در سطح بین المللی نائل گردید.

بخش ذخایر معدنی ویتنام

ویتنام از جمله کشورهایی است که کمترین سطح مصرف تجاری انرژی را در میان کشورهای در حال توسعه جهان دارد. میزان مصرف تجاری انرژی به ازای هر نفر کمتر از ۱۰۰ کیلو متر معادل نفت در سال ۹۰ بوده که این میزان در آن سال در فیلیپین ۲۴۶ کیلوگرم، در تایلند ۴۶۸ کیلوگرم و در مالزی ۹۵۴ کیلوگرم بوده است. کل مصرف انرژیهای اولیه در این کشور ۳۴۰ هزار بشکه در روز معادل نفت در سال ۱۹۹۰ بوده است، که ۱۶۱ درصد ((۴)) این انرژی از طریق سوخت هیزم و چوب درختان جنگلی، ۱۸ درصد از طریق فرآورده های نفتی، ۱۳ درصد از محل زغال سنگ و ۸ درصد را برق آبی تشکیل می داده است.

بخش نفت و گاز

نفت به عنوان عنصر اصلی در اقتصاد ویتنام مطرح است. ذخایر تثبیت شده نفتی این کشور رقمی میان ۱/۵ تا ۳ میلیارد بشکه نفت خام است- مانند آنچه در مالزی و استرالیا وجود دارد. ولی با جمعیتی حدود ۷۴ میلیون نفر این مقدار نمی تواند زیاد قابل اتکاء باشد. در سال ۹۳ میلادی تولید نفت ویتنام ۱۲۶ هزار بشکه در روز نفت خام بوده که در مقایسه با تولید نفت خام این کشور در سال ۹۰ که معادل ۵۴۰۰ بشکه در روز بوده است قابل توجه است. از میدان نفتی بیر سفید (Bach Ho) تنها در سال ۱۹۹۴ بیش از ۱۴۰ هزار بشکه در روز نفت تولید شده است که در نتیجه آن این کشور در زمره کشورهای نظیر رومانی قرار گرفته است. براساس آمار نشریه نفت و گاز بین المللی در

سال ۹۲ این کشور در ردیف چهارم و ششمین کشور در میان ۷۵ کشور تولیدکننده نفت جهان واقع شده است.

بر اساس برنامه های زمانبندی این کشور قرار است تا سال ۲۰۰۰ میلادی روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت و تا سال ۲۰۰۵ میلادی به ۵۰۰ هزار بشکه نفت تولید کند.

اغلب تولید نفت خام این کشور برای صادرات به ژاپن اختصاص یافته و کمک مؤثری به بخش بازرگانی این کشور است زیرا سهم نفت از کل صادرات این کشور در سال ۹۴ میلادی ۲۷/۱ درصد بوده است. با نظر خوشبینانه پیش بینی می شود که ذخائر نفتی این کشور رقمی بین ۴ میلیارد تا ۶ میلیارد بشکه باشد.

اکتشاف نفت در این کشور تا اوایل دهه ۷۰ میلادی آغاز نشده بود که در سال ۱۹۷۵ اولین میدان نفتی توسط شرکت آمریکائی Mobil کشف شد. بعد از سقوط سایگون فعالیتهای اکتشافی به شدت کاهش یافت تا اینکه در سال ۱۹۸۱ دوباره فعالیتهای اکتشافی آغاز شد و در سال ۱۹۸۶ این کشور در مشارکت با شوروی شرکت تحت نام Vietsovpeto ایجاد کرد. حدوداً توسط این مشارکت ۴۰ هزار تن نفت خام از میدان بیر سفید در سال ۱۹۸۶ استخراج شد؛ ولی در سال ۱۹۹۴ تولید این میدان به ۱۳۴۰۰۰ بشکه در روز رسیده بود. تنها منبع نفتی این کشور از سال ۸۶ همین میدان بوده است.

دو میدان نفتی دیگر ویتنام یکی به نام خرس بزرگ (Dai Hung) و دیگری به نام Rong است. میدان خرس بزرگ توسط کنسرسیومی به رهبری شرکت استرالیائی BHP توسعه یافته است میزان ذخایر این میدان، که قبلاً ۷۰۰ میلیون بشکه تخمین زده شده بود، اکنون حدود ۳۰۰ میلیون بشکه تخمین زده می شود. سهم SHP در این میدان ۴۳/۷۵ درصد، شرکت مالزیائی پتروناس ۲۰ درصد، شرکت فرانسوی TOTAL و شرکت ژاپنی سومیتومو مجموعاً ۲۱/۲۵ درصد است. میزان کل سرمایه گذاری این پروژه ۱/۵ میلیارد دلار است.

این کشور از سال ۱۹۸۸ میلادی تاکنون با تغییر سیاستهای نفتی و تجدیدنظر در آن توانسته است نسبت به عقد ۲۷ قرارداد مشارکت در تولید (Production Sharing) با شرکتهای خارجی دست یازد. شرکت نفت دولتی این کشور Petro Vietnam طرف قرارداد با شرکتهای خارجی در قراردادهای فوق الذکر است. تا سال ۱۹۹۴ میلادی

نسبت به عقد مشارکت در تولید با شرکت آمریکائی Mobil در منطقه مرز آبی مورد اختلاف با چین بنام Thanh Long در آوریل سال ۹۴ اقدام کرد، درحالی که در فوریه سال ۹۲ میلادی بخشی از این ناحیه مورد اختلاف توسط چینی ها به شرکت آمریکائی Creston تحت قراردادهای مشارکت در تولید واگذار شده بود. بخش نفت در ویتنام در راه رشدی سریع بعلت مشارکت هرچه بیشتر شرکتهای خارجی گام برمی دارد.

شرکتهای خارجی در بخش اکتشاف نفت این کشور ۱/۴ میلیارد سرمایه گذاری کرده اند. تاکنون ۱/۴ از کل ۱۶۰ بلوک تعیین شده در فلات قاره ویتنام به شرکتهای خارجی واگذار شده است. این کشور در نتیجه عقد قراردادهای مشارکت در تولید با شرکتهای خارجی غیرآمریکائی توانست موافقت آمریکائی ((۹)) را مبنی بر لغو تحریم اقتصادی در فوریه سال ۹۴ جلب کند. از این پس بود که شرکتهای آمریکائی وارد بازار نفت ویتنام شدند. این کشور با ورود شرکتهای آمریکائی

جدول شماره ۱

سال	ذخایر نفت خام	درصد افزایش	درصد کل ذخایر نفت خام آمریکا	درصد کل ذخایر نفت خام جهان
۱۹۷۰	۳۲	-	۸	۵
۱۹۷۵	۳۴	۶	۸	۵
۱۹۸۵	۶۵	۹۱	۱۲	۹
۱۹۸۶	۷۲	۱۱	۱۱	۸
۱۹۸۷	۱۰۰	۳۹	۱۵	۱۱
۱۹۹۰	۱۱۰	۱۰	۱۴	۱۱
۱۹۹۳	۱۱۲	۲	۱۵	۱۱

منبع: ارقام رسمی منتشره از سوی وزارت نفت عراق و BP Statistical Review

جدول شماره ۲

سال	ظرفیت تولید (میلیون بشکه در روز)	ظرفیت صادراتی (میلیون بشکه در روز)
۱۹۹۴	۳/۶	۲
۱۹۹۵	۴	۳/۵۵
۲۰۰۰	۶	۵/۴
۲۰۰۵	۸	۷/۲۵
۲۰۰۷	۹	۸/۱۸
۲۰۱۰	۱۰	۹/۱۰

جدول شماره ۳

سال	سال ۹۴	سال ۹۵	سال ۲۰۰۰	از میانهای صادراتی و مسیر خطوط لوله نفتی عراق
۱۰	۱/۶۵	۱/۶۵	۱/۶۵	خط لوله عراق - ترکیه (IPB)
۹۴	۱/۶۵	۱/۶۵	۱/۶۵	خط لوله عراق - بحرین
۹۵	۲	۲	۲/۵	رسانه های نفتی صادراتی عراق (الکر، دار و ام القصر)
۲۰۰۰	۲/۱	۲/۱	۲/۱	خط لوله عراق - اسرائیل (سپاه - جابا)
۲۰۰۱	-	-	-	خط لوله عراق - اردن (حدید - عتبه)
۲۰۰۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	خط لوله عراق - لبنان - سوریه (ترکوی - ۲۲۱ و ترپولی)
۲۰۰۳	۵/۳۰	۵/۳۰	۷/۱۵	کل